

تحرك اجتماعى در رمان فارسى از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ شمسى

(مطالعه در چهار رمان نمونه)

مریم عاملی رضایی* / ستاره زارع**

دریافت مقاله:

۱۳۹۵/۱۰/۱

پذیرش:

۱۳۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

اصطلاح تحرك اجتماعى (Social Mobility) به جابه‌جایی افراد از پایگاهی اجتماعى به پایگاه اجتماعى دیگر اطلاق می‌شود. این تحرك به دو شیوه عمودى و افقى اتفاق می‌افتد. پرسش اصلى این پژوهش بازتاب چگونگی تحرك طبقات اجتماعى در رمان فارسى در دوران مورد بحث است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با در نظر گرفتن نمونه‌های موفق رمان‌های این دوره بوده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ شمسی، طبقه اجتماعى اشراف و کارمندان و طبقه اداری و شهرنشین در رمان فارسى بیشترین بازتاب را داشته است. در این دوره انتقاد از فاصله طبقاتی و تحرك اجتماعى ناسالم، از مهم‌ترین مسائل طرح شده در رمان‌هاست. طبقه متوسط در حال شکل‌گیری و تحرك اجتماعى بیشتر از نوع تحرك عمودى است. از سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۰ ش. طبقه اجتماعى متوسط شهرنشین و به‌ویژه طبقه محروم روستائین، کارگران و دهقانان در رمان بیشتر بازتاب داشته است. در این دوره، تحرك اجتماعى اغلب در میان طبقات متوسط و محروم و از نوع تحرك افقى است، یعنی جابه‌جایی در مشاغل فرودست مثل تبدیل روستایی و کشاورز بی‌زمین به حاشیه‌نشین شهری را شاهد هستیم. مسئله استفاده تکنیکی از تجدد در سطح صنعتی مانند استفاده از ابزارهایی چون ماشین و تراکتور و در سطح فرهنگی مانند استفاده از کفش، کلاه و لباس فرنگی بدون زیرساخت مناسب و فرهنگ مصرف آن، تبعاتی در ایجاد فاصله طبقاتی و تحرك اجتماعى به وجود آورد که در رمان‌های این دوره بازتاب یافته و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: رمان رئالیستی فارسى، پایگاه اجتماعى، طبقه اجتماعى، تحرك اجتماعى، ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰.

مقدمه

رویکرد رئالیستی به رمان، این ژانر ادبی را از دیدگاه مسائل واقعی و اجتماعی بررسی می‌کند. در این رویکرد، شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان متأثر از واقعیت‌های اجتماعی دانسته می‌شود و رمان در ارتباط تنگاتنگ با واقعیت قرار می‌گیرد. بنابراین، رمان شخصیتی را تصویر می‌کند که متعلق به طبقه و گروه مشخصی از اجتماع و تابع آداب و رسوم و رفتار اجتماعی خاصی است. رمان‌های واقع‌گرا همیشه صحنه اجتماع را به عنوان مکان داستان خود انتخاب می‌کنند و مسائل مبتلابه جامعه را در طرح داستان ایشان می‌گنجانند. امروزه دیگر رمان‌نویس فردی نیست که تنها با توصیف پدیده‌های اجتماعی و روانی در ارتباط باشد. جامعه‌شناس بیشتر با مفهوم زندگی اجتماعی در نظر نویسنده سر و کار دارد. (زرافا، ۱۳۸۶: ۶۱)

«اشخاص داستانی رئالیست‌های بزرگ همین که در تخیل نویسنده نطفه می‌بندند، زندگی‌ای مستقل از آفریننده خود را پیش می‌برند. آنان مسیری را می‌پیمایند و سرنوشتی پیدا می‌کنند که دیالکتیک درونی زندگی اجتماعی و روانی‌شان مقرر می‌دارد». (لوکاچ، ۱۳۹۲: ۲۰)

در نقد جامعه‌شناختی، ارتباط ساختار و محتوای رمان با ساختار و تحولات جامعه‌ای که اثر در آن متولد شده است و بررسی و چگونگی بازنمایی هنرمندانه اجتماع در جهان تخیلی اثر ادبی، نقد و تحلیل می‌شود. محیط ادبی هیچ‌گاه از تأثیر محیط اجتماعی بر کنار نیست. نوع ادبی رمان هم از لحاظ تاریخچه پیدایش و رشد و هم

از نظر ساختار و محتوا، ارتباط خاصی با مسائل اجتماع دارد. نقد جامعه‌شناختی رمان از شباهت آن با دنیای بیرون از متن سرچشمه می‌گیرد. آنچه در این نوع نقد از اهمیت بسیاری برخوردار است، انعکاس تصویر جامعه در جهان تخیلی و هنری اثر ادبی و شکل‌های مختلف آن از جمله رمان است. محققان این نوع نقد به تعامل جامعه و ادبیات می‌پردازند و بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای ادبی ارتباطی متقابل ترسیم می‌کنند. هر اثر ادبی از جامعه و تحولات آن تأثیر می‌پذیرد و بر جامعه نیز تأثیر می‌گذارد.

مسئله اساسی این مقاله، بررسی چگونگی بازتاب تحرک اجتماعی شخصیت‌های داستانی در رمان واقع‌گرای فارسی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ شمسی است. علاوه بر نشان دادن حرکت طبقات اجتماعی، گرایش نویسندگان رمان به پایگاه‌های اجتماعی مشخص، بررسی می‌شود. پس از مطالعه و بررسی اولیه در جامعه آماری که شامل تمام رمان‌های این سال‌ها بود، چهار رمان برجسته معاصر فارسی را به عنوان جامعه نمونه، انتخاب کردیم و طبقه اجتماعی شخصیت‌های داستان را در آنها تحلیل و بررسی می‌کنیم.

از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ ش. رمان‌های تهران مخوف (۱۳۰۳) و زیبا (۱۳۱۲).

از سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۰ ش. رمان‌های شوهر آهوخانم (۱۳۴۰) و نفرین زمین (۱۳۴۶).

دلیل انتخاب این رمان‌ها آن است که همه آنها از مقبولیت ادبی و تاریخی بهره‌مندند و هر یک به نوعی نماینده طرز تفکر حاکم بر دوره خود هستند و علاوه بر آنکه به مسائل اجتماعی

محمود (سوشون، جزيره سرگردان، همسايه‌ها، زمين سوخته) (۱۳۸۲) و زهرا قاينى در پايان‌نامه- اش با عنوان شخصيت و شخصيت‌پردازى در آثار داستانى سيمين دانشور (۱۳۸۹) به عنصر داستانى شخصيت در رمان فارسى پرداخته‌اند، اما در اين آثار به طور مشخص در ارتباط با پاينگاه اجتماعى شخصيت‌ها و تحرك اجتماعى بررسى و پژوهشى انجام نشده است.

مفاهيم و تعاريف

پاينگاه اجتماعى^۱: به تفاوت‌هاى گروه‌هاى اجتماعى از نظر احترام و منزلت اجتماعى اطلاق مى‌شود. مقام و موقعيت و منزلت اجتماعى كه افراد جامعه براى اعضاى خود در نظر مى‌گيرند. در واقع، پاينگاه اجتماعى نشان‌دهنده اعتبار، ارزش و موقعيت فرد است. پاينگاه و موقعيت اجتماعى فرد، حقوق و مزاياى شخص را تعيين مى‌كند. پاينگاه اجتماعى دو نوع است: الف) انتسابى است به اين معنا كه طبيعت بدون خواست شخص به وي تحميل مى‌كند. مانند نياكان يا رنگ پوست؛ ب) اكتسابى است و آن موقعيتى است كه شخص با كوشش و تحصيل و با اراده خود آن را كسب مى‌كند. مانند كودك كارگرى كه با تحصيل پزشك مى‌شود و دچار تحرك اجتماعى مى‌شود. (كوئن، ۱۳۷۲: ۸۴، ۲۳۹؛ نيك‌گهر، ۱۳۷۱: ۶۵، ۷۵؛ قرائى مقدم، ۱۳۷۴: ۲۷۰، ۲۷۸؛ فرسار، ۱۳۷۷: ۴۱؛ گيدنز، ۱۳۷۳: ۲۲۲)

پرداخته‌اند، تحرك اجتماعى و پاينگاه و طبقه اجتماعى به خوبى در آنها انعكاس يافته است.

پيشينه تحقيق

در ارتباط با نقد اجتماعى، نقد جامعه‌شناختى و رابطه ميان مسائل اجتماعى و ادبيات، كتب، مقالات و رسالات متعددى نگاشته شده است كه به برخى از مهم‌ترين آنها اشاره مى‌شود. «واقعيت اجتماعى و جهان داستان» (۱۳۵۸) از جمشيد مصباحى‌پور ايرانيان، «نقد اجتماعى رمان معاصر فارسى با تاكيد بر ده رمان برگزيده» (۱۳۸۶) از عسگر عسگرى، «نقد جامعه‌شناسى بر رمان شوهر آهونخام» اثر على محمد افغانى (۱۳۸۹)، پايان‌نامه جامعه‌شناسى رمان معاصر فارسى (شوهر آهونخام، همسايه‌ها، جاى خالى سلوچ) از معصومه قربانى وركلايى (۱۳۸۳)، پايان‌نامه بازنمايى واقعيت اجتماعى در دو رمان عمارت يعقوبيان و همسايه‌ها با تاكيد بر طبقات اجتماعى اثر صفيه توكللى (۱۳۹۲)، پايان‌نامه بازنمايى مسائل سياسى و اجتماعى در رمان‌هاى فارسى با تاكيد بر ۱۷ رمان برگزيده از مينا عابدينى (۱۳۸۹) و پايان‌نامه سميه تركا شوند از جمله اين آثار هستند. اكثر پژوهش‌هاى انجام‌شده در حوزه ادبيات داستانى كه به شخصيت و شخصيت‌پردازى به عنوان يكي از عناصر داستان توجه كرده‌اند، به طور ضمنى به اين بحث پرداخته‌اند. از جمله حميد عبداللهيان در كتاب شخصيت و شخصيت-پردازى در داستان معاصر (۱۳۸۱)، فاطمه جعفرى اوچانى در پايان‌نامه خود با عنوان شخصيت و شخصيت‌پردازى در آثار سيمين دانشور و احمد

1. social status

وسایل تولید - وسایلی که به کمک آنها معیشت خود را تأمین می‌کنند - قرار دارند. پیش از پیدایش صنعت جدید، وسایل تولید اساساً شامل زمین و ابزار بود که برای رسیدگی به محصولات یا دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنابراین، دو طبقه اصلی که پیش از صنعتی شدن وجود داشتند، عبارت بودند از: صاحبان زمین (اشراف، اعیان، برده‌داران) و افرادی که به تولید محصول اشتغال داشتند (برده‌ها و دهقانان آزاد). در جوامع صنعتی امروزی کارخانه‌ها، ادارات، ماشین‌آلات و ثروت و سرمایه مورد نیاز برای خرید آنها اهمیت بیشتری می‌یابند. دو طبقه اصلی در اینجا کسانی هستند که صاحب این وسایل جدید تولید می‌باشند. مالکان ابزار تولید اقتصادی یعنی بورژوازی (صاحبان صنایع و سرمایه‌داران) و افرادی که زندگی خود را از راه فروش کار خود به آنها تأمین می‌کنند، یعنی کارگران مزدبگیر (طبقه کارگر یا در اصطلاح قدیمی‌تر پرولتاریا). مفهوم طبقه در نظر مارکس ما را به سوی نابرابری‌های اقتصادی در جامعه هدایت می‌کند. بعضی‌ها بیشتر از دیگران به پاداش‌های مادی دسترسی دارند. کارگران به ثروتی که محصول کار آنهاست، دسترسی ندارند، در نتیجه نسبتاً فقیر باقی می‌مانند و ثروتی که توسط مالکان انباشته می‌شود، افزایش می‌یابد. (همان: ۲۲۵-۲۲۳)

طبقه اجتماعی^۲: به گروه وسیعی از مردم گفته می‌شود که از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مشابهی برخوردارند و پایگاه اجتماعی آنها هم‌سطح است. (همان‌جا)

آنتونی گیدنز طبقه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است:

«گروه‌بندی وسیعی از افراد که دارای منابع اقتصادی مشترکی هستند و این منابع به شدت بر انواع شیوه‌های زندگی که می‌توانند داشته باشند، تأثیر می‌گذارد. مالکیت ثروت به همراه شغل، پایه‌های اصلی اختلافات طبقاتی را تشکیل می‌دهند» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۲۲). وی همچنین طبقات عمده‌ای که در جوامع غربی وجود دارند، را دسته‌بندی می‌کند:

۱. طبقه بالا (ثروتمندان، کارفرمایان، صاحبان صنایع، مدیران اجرایی رده بالا و جز اینها که صاحب منابع تولیدی بوده یا به طور مستقیم این‌گونه منابع را کنترل می‌کنند).

۲. طبقه متوسط (که اکثر کارمندان یقه سفید و کارکنان متخصص و حرفه‌ای را دربر می‌گیرد).

۳. طبقه کارگر (افرادی که در مشاغل یقه آبی یا کارهای یدی هستند). در بعضی از کشورهای صنعتی مانند فرانسه و ژاپن طبقه چهارمی نیز وجود دارد.

۴. طبقه دهقانان (افرادی که به انواع سنتی تولیدات کشاورزی اشتغال دارند). (همان‌جا)

از جمله نظریه‌پردازانی که درخصوص طبقه اجتماعی صاحب‌نظر هستند، کارل مارکس^۳ (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م.) است. از نظر وی، طبقه گروهی از مردم است که در رابطه مشترکی با

2. social class
3. Karl Marx

- طبقه متوسط: الف) مالک کوچک، خرده بورژوازی و ب) متخصصانى که مهارت‌هاى خود را به فروش مى‌گذارند.

- طبقه تهيدست و پرولتاریا که نیروى کار عرضه مى‌کنند. (همان: ۷۵)

با توجه به تعاریف ارائه‌شده از پایگاه و طبقه اجتماعى، وجه افتراق پایگاه اجتماعى و طبقه اجتماعى مشخص مى‌شود. «پایگاه اجتماعى نمایانگر مقام و منزلت یک شخص نسبت به دیگران است و طبقه اجتماعى نشانگر مقام و منزلت سنخى از افراد نسبت به سنخ‌هاى دیگر است». (فرسار، ۱۳۷۷: ۵۳)

مى‌توان گفت کسانی که در طبقات اجتماعى بالاترى قرار دارند، به مراتب از منزلت اجتماعى بالاتر و همچنین از امکاناتى برخوردارند که طبقات اجتماعى فرودست از آن محروم هستند. در واقع، طبقه اجتماعى افراد، محل تحصیل، قدرت اجتماعى، روابط اجتماعى و شرایط دیگر زندگى افراد را تحت تأثیر قرار مى‌دهد.

ملاک‌هاى تعیین طبقه اجتماعى ممکن است از جامعه‌اى به جامعه دیگر متفاوت باشد، اما به طور کلی مى‌توان گفت که مهم‌ترین این ملاک‌ها عبارت‌اند از: شرایط و امکانات اقتصادى مانند ثروت و درآمد، شرایط تحصیلى و به ویژه کمیت و کیفیت تحصیل، شرایط شغلى، شرایط خانوادگى و پیوستگى در گروه‌هاى خویشاوندی

بنابراین، عامل به وجود آمدن طبقات اجتماعى، وجود نابرابرى‌هاى اجتماعى و اقتصادى میان افراد یک جامعه است. شکاف میان ثروتمندان و فقرا. طبقه به اساسى‌ترین نوع نابرابرى در زندگى، يعنى تفاوت در میزان دسترسى مردم به ابزار مادى زندگى مربوط است و مبارزه طبقاتى بنیان این نابرابرى‌هاست. «نابرابرى اجتماعى به تفاوت‌هاى میان افراد یا جایگاه‌هاىی که به صورت اجتماعى تعريف شده است و آنها آن را اشغال کرده‌اند، اشاره مى‌کند که بر نحوه زندگى آنها به خصوص بر حقوق و فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتى که از آن برخوردارند، تأثیر دارد». (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰)

شکاف بین طبقه دارا و ندار از دیرباز وجود داشته است و در طول تاریخ اشکال مختلفی به خود گرفته است. برده‌دار در برابر برده در دوران باستان. ارباب در برابر رعیت در دوران فئودالیزم و بورژوازی در برابر پرولتاریا در نظام سرمایه‌داری (همان: ۳۰). مارکس مدعى است که رابطه میان مالکان و کارگران در نظام سرمایه‌داری نیروى محرکه تغییرات اجتماعى است؛ زیرا که تضاد ذاتى در رابطه میان طبقه‌ها وجود دارد. (همان: ۱۳۳)

ماکس وبر^۴ نظریه پرداز آلمانى، آرای کارل مارکس (تأکید بر شاخص تولید) را تکمیل کرده و مهارت و تخصص‌ها را نیز در ایجاد طبقه مؤثر دانسته است. او طبقه اجتماعى را این‌گونه دسته‌بندى کرده است:

- طبقه ثروتمندان، مالکان بزرگ و سرمایه‌-

داران بزرگ.

(محسنی، ۱۳۷۱: ۵۵۲). این ملاک‌ها قاعدتاً معیارهای پایگاه اجتماعی نیز می‌توانند باشند. «اصطلاح تحرک اجتماعی به جابه‌جایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر اطلاق می‌شود. افراد ممکن است که از لحاظ طبقه اجتماعی به سمت بالا یا سمت پایین تحرک داشته باشند، یا در همان سطح باقی بمانند، ولی شغل دیگری اختیار کنند». (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۶۱)

تحرک اجتماعی به دو صورت اتفاق می‌افتد:

در بعضی از جوامع، تحرک اجتماعی برای همگان امکان دارد. این نوع جوامع را جوامع باز و متحول می‌نامند و در بعضی از جوامع تحرک اجتماعی بر اثر شرایط اجتماعی - اقتصادی دشوار است که این نوع جوامع را نیمه‌بسته و کم تحرک می‌نامند. البته نوع سوم نیز وجود دارد که در آنها تحرک طبقاتی به هیچ قیمتی امکان‌پذیر نیست و آن جامعه کاستی است که در بعضی از کشورها از جمله هند قابل مشاهده بوده است.

رمان‌های دوره اول: سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ ش

۱. اوضاع سیاسی - اجتماعی

در این دوره ایران با حوادث زیادی دست به گریبان بود. عواقب انقلاب مرداد ۱۲۸۵، پادشاهی رضاشاه (۱۳۰۵ - ۱۳۲۰ ش.) و دستورهای او مبنی بر کشف حجاب دختران و زنان و تغییر شکل و متحد کردن لباس‌های مردان و ترویج کلاه پهلوی که نتیجه سفر وی به ترکیه بود، برای ناآرامی‌های بعدی سرآغازی شد. بسیاری از ایرانیان به مخالفت با شاه پرداختند. گروه نویسندگان و شاعران با نوشته‌هایشان و گروه‌های دیگر نیز با تشکیل حزب توده اعتراض‌هایشان را به گوش مردم می‌رساندند. «حزب توده در سال ۱۳۲۰ با توسل کلی به همه مردم صرف‌نظر از طبقه، به منظور اتحاد در جنبشی عمومی بر ضد دیکتاتوری رضاشاه آغاز شد. اما در عرض سه سال بعد به تدریج رویکرد خود را محدود کرد. به طوری که در پایان نخستین کنگره نه چندان از حقوق کلی مردم، بلکه از محرومیت‌های خاص

۱. تحرک عمودی: عبارت است از تغییر پایگاه فرد، هنگامی که از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر انتقال می‌یابد. فرد در تحرک عمودی یا در نردبان اجتماعی سیر صعودی را می‌پیماید و پایگاهش ترقی می‌کند. یا سیر نزولی می‌کند و پایگاهش تنزل می‌یابد. (تحصیلات ناقص، ازدواج در سن پایین، متولد شدن در یک خانواده پرفرزند یا گرفتاری در بحران اقتصادی و شغل از جمله عوامل تحرک نزولی هستند).

۲. تحرک افقی: عبارت از انتقال فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر در همان سطح است. فردی که شغلش را تغییر می‌دهد در صورتی که این تغییر شغل تأثیری بر پایگاه اجتماعی‌اش نگذارد، به تحرک افقی دست زده است. (همان: ۲۶۲-۲۶۱)

هر فردی می‌تواند به روش‌های مختلف از جمله ازدواج، تحصیل، کسب مهارت شغلی، فعالیت‌های سیاسی و هنری و ورزشی طبقه اجتماعی خود را تغییر دهد.

سوادى، نبود امنيت اجتماعى، عدم رسيدگى به وضع آشفته کشور و جز اينها سبب مى شود تا زنان در معرض فساد قرار گيرند. زنان، همزمان با انقلاب مشروطه به ادبيات راه مى يابند و شخصيت اصلى رمان هاى اجتماعى را تشكيل مى دهند. در اين نوع رمان ها زنان قربانى اجتماع خرافى و عقب افتاده تصوير مى شوند که ناگزير هستند به ازدواج هاى ناخواسته تن دهند و از سنت ها پيروي کنند. در واقع، نويسندگان براى انتقاد از سنت هاى غيرانسانى و مطرح ساختن نارضايتى خود از جنبه هاى نامطلوب جامعه، وضع بد زنان در خانواده و جامعه را مورد توجه قرار مى دهند. در اين دوره، وضع زن به عنوان بهترين شاخص سنت هاى ارتجاعى و اختناق اجتماعى شناخته مى شود. (ميرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۵۵)

رمان *زيبا* (۱۳۱۲) در دوره اى نگارش يافت که طبقه کارمندان به عنوان طبقه اجتماعى نوپا در ساختار اجتماعى ايران وارد شده بودند. آنها براى حفظ منافع و منصب خود، دست به هر کارى مى زنند و اين امر سبب رشد روزافزون فساد ادارى مى شود. حجازى با پرداختن به اين طبقه و مسائل پيرامون آن، سعى در پرده بردارى و افشاى برخى مفاسد موجود در ادارات، داشته است. «کارمندان با انتقاد از دستگاه ادارى مشروطه وارد صحنه ادبيات معاصر ايران مى شوند و با متمرکز شدن کشور و رشد ديوان سالارى در دوره رضا شاه، جزء اصلى ترين شخصيت هاى رمان فارسى به حساب مى آيند. به دنبال جنبش مشروطه و پا

کارگران، دهقانان، روشنفکران، معلمان و صنعتگران سخن گفت و طى چهار سال بعد، به ويژه پس از کنگره دوم، رويکرد خود را باز محدودتر کرد، به طورى که در سال ۱۳۳۲ش. خود را پيشگام پرولتاریا و دهقانان بى زمين عنوان مى کرد» (آبراهاميان، ۱۳۷۷: ۲۹۵). طبقات اجتماعى که مورد نظر حزب توده بود، عبارت بودند از: طبقه متوسط حقوق بگير، طبقه کارگر شهرى، طبقه متوسط مالک و توده هاى روستايى. عهد رضاشاه شاهد ظهور طبقه کارگر صنعتى ناراضى نيز بود. دستمزد کم و ساعات کارى زياد و ماليات هاى سنگين از دلایل به وجود آمدن اين اعتراضات بود. عامل ديگرى که ايران را در اين دوره با مشکلات عديده اى روبه رو کرد، اشغال ايران از سوى متفقين در شهريور ۱۳۲۰ بود.

نويسندگان متأثر از جامعه آن روزگار، شخصيت هاى خاصى را از طبقات اجتماعى خاص وارد رمان هاى خود کرده اند. «اولين نمونه رمان هاى اجتماعى در سال ۱۳۰۰ شمسى پديد آمد. نويسندگان اين رمان ها با توصيف فحشا، فساد سياسى و ادارى و نا امنى هاى اجتماعى سال هاى پس از مشروطيت، يأس عمومى از به نتيجه نرسيدن انقلاب را منعکس مى کنند. فواحش و کارمندان مشخص ترين تپ هاى معرفى شده به وسيله اين رمان ها هستند.» (ميرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۵۳)

دوره اى که مشفق کاظمى رمان مفصل و دو جلدى *تهران مخوف* را در سال ۱۳۰۳ش. به نگارش در مى آورد، دوره اى است که فقر، بى

گرفتن حکومت پارلمانی، سازمان‌های اداری جدیدی برای اداره کشور به وجود آمد». (میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱/۵۳)

همچنین با اصلاحاتی که رضاشاه انجام داد، از جمله اصلاحات آموزشی، بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شمسی، ظرفیت آموزشی تا دوازده برابر افزایش یافت. تحصیلات عالی ترقی یافت و بر تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان افزوده شد. اکثر فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان کارمند، تکنسین ماهر، مدیر عمومی، معلم، قاضی، پزشک یا استاد دانشگاه وارد خدمات دولتی شدند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷:

۱۳۳) با شکل‌گیری طبقه اجتماعی کارمندان، نویسندگان رمان‌ها، این طبقه را وارد رمان‌های خود می‌کنند تا به وضعیت کارمندان در آن سال‌ها اشاره کنند. حجازی از جمله این نویسندگان است

۲. طبقه و پایگاه اجتماعی در تهران مخوف

طبقه اشراف و ثروتمندان: اصلی‌ترین طبقه اجتماعی پرداخته شده در این رمان هستند. اشرافی که دارای قدرت و ثروت هستند، اما به نوعی ثروت خود را از دست می‌دهند که شامل خانواده‌های اشرافی و شاهزادگان و درباریان قاجار هستند. خانواده مهین، خانواده سیاهش میرزا و علی‌اشرف خان (همسر عفت) در این طبقه اجتماعی قرار دارند.

طبقه تهی‌دستان و محرومان: بیشتر افراد این طبقه اجتماعی را کارگران و خدمتکاران اشراف

تشکیل می‌دهند. به نوعی این طبقه در تقابل با طبقه ثروتمندان قرار می‌گیرد و نابرابری‌های آنها نشان داده می‌شود.

طبقه متوسط: فرخ و پدرش بعد از تغییر طبقه اجتماعی در این طبقه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که منظور از طبقه متوسط طبقه بورژوازی شهرنشین نیست؛ بلکه افرادی هستند که به لحاظ مالی در این طبقه قرار گرفته‌اند و سطح درآمدشان در حد متوسطی است. مأموران ادارات و نظمی‌ها در این طبقه جای داده می‌شوند.

۱-۲. ویژگی‌های ظاهری طبقات

رمان تهران مخوف به خوبی توانسته است اختلاف طبقاتی و تفاوت زندگی فقیر و غنی را نمایش دهد و تصویری روشن از زندگی مردم محروم جامعه و زندگی اشرافی طبقه غنی و ثروتمند تهران آن روز داشته باشد. به گونه‌ای که خواننده به راحتی در مقام مقایسه این دو طبقه اجتماعی قرار می‌گیرد. شخصیت‌ها در تهران مخوف متناسب با طبقه اجتماعی خود لباس می‌پوشند، غذا می‌خورند، رفتار می‌کنند، در محله‌ای خاص زندگی می‌کنند، به شغلی منصوب می‌شوند، با لحن خاصی صحبت می‌کنند و به نام‌ها و القابی مورد خطاب قرار می‌گیرند.

- اشراف و ثروتمندان با القابی چون ف. السلطنه، ظل‌السلطان، شاهزاده و ... مورد خطاب قرار می‌گیرند، در حالی که مردم محروم با القابی

مى شوند. تا آنجا كه دختر و همسر خود را نيز در اين راه قربانى مى كنند. پدر مهين او را فدائى خواسته هاى خود مى كند. شوهر عفت به دليل حفظ مقام خود و به دليل ترس از پيشامدهاى كه از انجام نشدن خواسته اربابش بر او نازل مى شود، همسر خودش را در اختيار اربابش قرار مى دهد و از او به عنوان آلتى براى رسيدن به مقاصد و اهدافش استفاده مى كند (مشفق كاظمى، ۱۳۴۸: ۱/ ۳۷، ۱۳۴، ۲۲۷). با پول و اسم خود و پرداختن رشوه و از طريق پارتى و دادن تعارف، كارهاى خود را پيش مى برند (همان: ۵۲، ۶۶، ۲۶۰، ۲۸۳). به دنبال خوشگذرانى هستند (همان: ۱۴۶، ۲۱۱). به دليل نداشتن سواد به هرگونه خرافات و جادو اعتقاد دارند (همان: ۱۱۷، ۱۳۸). با پول به بى عدالتى مى پردازند (همان: ۷۷). براى طبقه محروم حقوقى قائل نيستند و دروغ و تزوير از خصوصيت هاى اخلاقى آنهاست (همان: ۹۷، ۲۸۳، ۲۷۹) با مقام و قدرت خود ديگران را تهديد مى كنند (همان: ۲۱۹). بدون اينكه شايستگى داشته باشند، صاحب مقام مى شوند (همان: ۱۹۸). تنها به فكر منافع خويش هستند. (همان: ۲۱۷)

- در مقابل اينها طبقه تهيدست قرار دارند كه با وجود تنگدستى به اطرافيان خود كمك مى كنند (همان: ۱۵). به دور از دروغ و تزوير هستند (همان: ۱۰۹). بدون حامى و اراده متمولين نمى توانند كارى انجام دهند. (همان: ۲۰۰)

- طبقه متوسط با وجود اينكه نسبت به طبقه محروم زندگاني بهتري دارند، ولي اينان نيز از جور و رنج دوران و زحمت هم نوعان در امان

چون باجى و بيگيم و ... خطاب مى شوند.
- طبقه ثروتمند اغلب آمرانه و همراه با توهين با زيردستان خود؛ يعنى طبقه فقير صحبت مى كنند.

- شغل طبقه ثروتمند وكيل و تاجر و وزير و ... است، در حالى كه شغل طبقه محروم اغلب قهوه چى، باغبان و پيش خدمتى است.

- ثروتمندان در محله هاى شمال تهران در خانه ها و عمارت هاى بزرگ زندگى مى كنند، اما مردم فقير در جنوب شهر در خانه هاى محقر با وسايلى اندك، چند گلليم و يكى دو دست رختخواب و چهار پنج عدد كاسه بشقاب زندگى مى كنند.

- اشراف و ثروتمندان لباس هاى گران قيمت و از جنس حرير و ابريشم و به شيوه اروپاييان بر تن مى كنند و در مقابل محرومان لباس هاى پاره و مندرس مى پوشند.

- اشراف با درشكه و كالسكه رفت و آمد مى كنند.

همه اينها نشانه هاى هستند كه نظام طبقاتى و ويژگى هاى دو طبقه اجتماعى اشراف و محروم جامعه را به خوبى در تهران مخوف نشان داده است.

- طبقه متوسط زندگى ساده اى دارند كه اين سادگى در خانه ها و طرز لباس پوشيدنشان نيز آشكار است.

۲-۲. خصلت هاى عمومى طبقات

- افراد طبقه ثروتمند براى رسيدن به قدرت و مقام و ثروت بيشتر، حاضر به انجام هر كارى

ب) استفاده ابزاری از زنان

- ف. السلطنه قصد دارد از طریق دخترش، مهین، به وکالت و در نتیجه به ثروت برسد. «امروز غالب مردم از اولاد و خویشاوندان خود استفاده می‌کنند و آنها را مثل نردبان برای رسیدن به مقامات عالی به کار می‌برند. به خصوص در مملکت ما که بستگی و ارتباط بهترین وسیله ترقی است. مثلاً اگر من باجناب رئیس‌الوزراء بودم حتماً حالا وزیر یا اقلماً معاونت یکی از وزارتخانه‌ها را داشتم». (همان: ۳۴)

- علی اشرف خان، همسر عفت با قرار دادن همسرش به عنوان وسیله (در اختیار گذاشتن همسرش به صاحبان مقام) خود به مقام بالاتری دست می‌یابد و این همان تحرک اجتماعی عمودی و صعودی است. (همان: ۶۶)

- عفت ابتدا در خانواده متمول تهرانی زندگی می‌کرد و همسر شخصی صاحب‌مقام بود، اما به دلیل استفاده ابزاری همسرش از او برای رسیدن به مقام بالاتر، به فقر و فلاکت و فحشا دچار می‌شود، اما در نهایت با کمک‌های فرخ دوباره به خانواده خود باز می‌گردد.

- پدر اختر (یکی از زنانی که به فحشا کشیده شده است)، شخص متمول و اعیانی بوده که اولاد دختر نمی‌خواسته است. مادر اختر مجبور می‌شود دخترش را سر راه بگذارد و این چنین اختر به فاحشه‌خانه راه می‌یابد و دچار فقر و بی‌خانمانی می‌شود.

نیستند. اینان زمانی به وسیله پول و گاهی به امید منفعی که برای آنان می‌رود، زیر پرچم شخصی گرد می‌آیند. (همان: ۲۱۹)

- طبقه روستانشین ساده و مهربان و دارای اخلاق نیک و انسانیت هستند (همان: ۱۲۵، ۱۸۵). سواد ندارند (مشفق کاظمی، ۱۳۴۸: ۱۲۲/۲). مردمانی زحمت‌کش هستند (همان: ۱۲۲). ظلم و ستم طبقه حاکم بر طبقه روستانشین دیده می‌شود. (مشفق کاظمی، ۱۳۴۸: ۱۲۲/۱)

- طبقه اجتماعی کارمندان با گرفتن وعده‌هایی طبق خواسته‌های صاحبان مال عمل می‌کنند (همان: ۲۴۰). براساس رابطه و پول و پارتی کار می‌کنند و رشوه می‌گیرند. (همان: ۲۰۹)

۲-۳. چگونگی تحرک اجتماعی در شخصیت-**های رمان تهران مخوف**

در رمان تهران مخوف شخصیت‌ها از طریق شایستگی‌هایشان در صدد تغییر طبقه اجتماعی خود نیستند؛ بلکه با استفاده از رشوه دادن و پارتی بازی و قرار دادن زنان به عنوان نردبان ترقی، به مقام بالاتر ترقی می‌کنند.

الف) فساد اداری، پارتی بازی، دادن رشوه

- ف. السلطنه (پدر مهین) در ابتدا چیزی نداشت اما با پرداختن رشوه زیاد و در اثر یک سلسله پیشامدهای مساعد و اقدامات نامشروع به ثروت هنگفتی رسیده بود. این تحرک اجتماعی از نوع عمودی صعودی است. (مشفق کاظمی، ۱۳۴۸: ۲۱/۱)

ج) تغيير اوضاع سياسى و اجتماعى

اوضاع سياسى و اجتماعى آن روزگار سبب مى-شود تا پاىگاه و طبقه اجتماعى بسيارى از ثروتمندان تغيير كند و شخصيت هاى كه در طبقه اجتماعى اشراف قرار دارند، دچار تحرك اجتماعى شوند. با شنيدن شدن زمزمه هاى مشروطه، مشروطه خواهان با صاحبان مقام و ثروت به مبارزه مى پردازند و قصد دارند تا قدرت و ثروت را از اشراف و ثروتمندان بگيرند و از اين طريق اختلاف طبقات از بين برود و از جمع شدن ثروت در دست عده اى متمول جلوگیری کنند. در داستان مى بينيم كه بسيارى از اشرافى كه از راه هاى نامناسب ثروت اندوخته اند، دستگير و زندانى مى شوند و قدرت و ثروت خویش را از دست مى دهند.

پدر فرخ و پدر عفت جزء کارکنان دربار مظفرالدین شاه بودند، ولى با ورود مشروطه-خواهان اوضاع زندگیشان تغيير یافته است. اين تحرك اجتماعى از نوع افقى است؛ زيرا تنها موقعيت و شغلشان تغيير كرده است و از يك پاىگاه اجتماعى به پاىگاه اجتماعى ديگرى در همان طبقه فرادست وارد مى شوند. (مشفق-كاظمى، ۱۳۴۸: ۱/ ۱۱۰)

شاهزاده ك... (پدر سیاوش میرزا) با روى كار آمدن قدرت تازه، قدرت و ثروت خود را از دست داده و به همين دليل قصد داشت با ازدواج پسرش سیاوش میرزا با مھين قدرى بر ثروت خود بيفزايد. تحرك اجتماعى از نوع افقى است. (همان: ۴۱)

۳. طبقه و پاىگاه اجتماعى در رمان زيبا

طبقه ثروتمندان شهرنشين و كارمندان

شخصيت اصلى رمان (حسين) پاىگاه اجتماعى خود را تغيير مى دهد و وارد اين طبقه اجتماعى مى شود. زيبا، غامض الدوله و محرر ديوان جزء اين طبقه اجتماعى هستند.

طبقه محروم (روستائين)

حسين در ابتدا قبل از رفتن به تهران و كار كردن در وزارتخانه در روستا زندگى مى كرده است. بنابراين، پدر و مادر حسين به اين طبقه اجتماعى تعلق دارند.

۳-۱. ويژگى هاى ظاهرى طبقات

حجازى توصيف دقيقى از ظاهر شخصيت هاى رمانش ارائه نداده، اما برخى موارد به چشم مى خورد:

- افراد طبقه ثروتمند از امكانات و زندگى همراه با تجملى برخوردارند كه طبقه فرودست از آنها محروم اند (حجازى، بى تا: ۱۰۲). لباس هاى پاكيزه و فاخر مى پوشند و ظاهرى آراسته و مرتب دارند و عطر مى زنند. (همان: ۳۸)

- طبقه تهيدست كفش ها و كلاه هاى سوراخ و پاره پاره دارند. همان طور كه پيداى است از ظاهر افراد به خوبى مى توان متوجه شد كه فرد متعلق به کدام طبقه اجتماعى است. با اينكه طبقه اجتماعى كه رمان زيبا به آن پرداخته است، طبقه كارمندان است اما توصيفى از ظاهر آنها نمى بينيم.

۳-۲. خصلت‌های عمومی طبقات

- افراد ثروتمند از طریق نفوذ آشنایانشان به مقامی که می‌خواهند می‌رسند (همان: ۵۲) و وقتی به مقام رسیدند هر کاری می‌کنند تا آن را حفظ کنند (همان: ۶۹، ۱۱۶). آنها حاضر نیستند به زیردستان خود کمک کنند (همان: ۹۲، ۱۱۲). قدرت انسان را به جایی می‌رساند که اصول اخلاقی را نادیده می‌گیرد (همان: ۱۲۷). بدون داشتن لیاقت و استعداد به شغلی منصوب می‌شوند (همان: ۱۳۳). به دست آوردن قدرت در این طبقه از طریق خدمت کردن حاصل نمی‌شود (همان: ۱۱۵). حق دیگران را ضایع می‌کنند تا منافع خودشان را حفظ کنند. (همان: ۱۸۸، ۱۲۶)

- تهی دستان همواره گرفتار بلا می‌شوند (همان: ۱۵۸). وقتی فردی پول و قدرت نداشته باشد، همواره مورد تهدید ثروتمندان است. (همان: ۳۹۰)

- طبقه روستایی، پیرامون درس و کتاب نمی‌گردند و به کار رعیتی می‌پردازند (همان: ۱۶، ۱۸). روستاییان از صداقتی برخوردارند که در میان شهرنشینان دیده نمی‌شود. شهرنشینان نسبت به یکدیگر بی‌توجه هستند و زندگی‌شان مبتنی بر ظاهرسازی و دروغ است. (همان: ۱۷۰)

- در ادارات افراد را به راحتی با تهمت بر کنار می‌کنند (همان: ۵۲، ۵۳). رؤسا به کمک زیردستانشان به برتری می‌رسند، ولی این حقیقت را کتمان می‌کنند (همان: ۱۰۱). هر کس به فکر منافع خویش است (همان: ۶۴). کارمندان بر اساس حقوقی که می‌گیرند و میزان حقوقشان با افراد دیگر برخورد می‌کنند (همان: ۱۸۹). حقوق

دادن به افراد براساس شایستگی و خدمت نیست، بلکه براساس دوستی و کینه‌ای است که در دل رؤساست (همان: ۱۹۶). رشوه می‌گیرند (همان: ۲۸۴، ۳۲۴). تملق و دروغ‌گویی و دورویی ویژگی اخلاقی شایع طبقه اداری است. (همان: ۲۶۷، ۲۶۸)

۳-۳. چگونگی تحرک اجتماعی شخصیت‌های

رمان زیبا

در رمان زیبا، پایگاه و طبقه اجتماعی میرزا حسین از دو راه تغییر می‌کند:

الف) تلاش و تحصیل: شخصیت اصلی ابتدا سعی می‌کند از طریق کسب تحصیلات، به پایگاه اجتماعی بالا و احترام و ارزش دست پیدا کند و طبقه اجتماعی‌اش را تغییر دهد. بنابراین، به سبزواری و سپس به تهران می‌رود و در مدرسه مشغول درس و مطالعه می‌شود. این در حالی است که پدر و مادرش او را به کار رعیتی تشویق می‌کردند. اما حسین هدف‌های بالاتری را در ذهنش ترسیم می‌کرده است. «می‌خواستم وقتی به مزینان برگردم که خود را کاملاً به اسباب بزرگی زینت کرده باشم». (همان: ۱۸)

ب) فساد اداری، پارتی بازی، رشوه‌گیری: حسین از فردی روستایی (شیخ حسین) به صاحب مقامی شهرنشین (میرزا حسین خان قیاس‌الدوله)، تبدیل می‌شود. زیبا با نفوذی که در ادارات دارد و از طریق پارتی حسین را وارد اداره می‌کند و حسین با رفتن به اداره برای اینکه خودش را هم‌رنگ کارکنان اداره کند و خواسته‌های زیبا را اجابت کند و همچنین برای حفظ مقام و کرسی

سال‌هاى ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ شمسى به خوبى در خود بازتاب داده است. حكومت رضاشاهى و اصلاحات وى از جمله متحدالشكل كردن لباس‌ها، مسئله كشف حجاب، حضور متفقين در شهريور ۱۳۲۰ و قحطى ناشى از حضور بيگانگان و در نهايت تقابل سنت و تجددى كه ناشى از اصلاحات رضاشاه بود، همه و همه در رمان طولانى على محمد افغانى نمود يافته و وى با مهارت اين تضاد سنت و تجدد را در شخصيت سيد ميران نشان داده است. آهو كه نمادى از سنت است و هما كه نمادى از تجدد است و سيد ميرانى كه مى‌خواهد از سنت‌ها بگذرد تا به تجدد برسد.

لازمه ورود سيدميران به طبقه اجتماعى بالاتر، شباهت شدن به آنهاست. بنابراين، با بردن هما (در حالى كه حجاب را كنار گذاشته است) به محافل و مهمانى‌هاى رؤساي صنوف سعى در تحكيم موقعيت خويش دارد و مى‌خواهد راهى در ميان متجددان پيدا كند. به همين دليل عقايد سنتى خود را كنار مى‌نهد، ريش‌هايش را مى‌تراشد، عطر مى‌زند، به سينما مى‌رود و شراب مى‌نوشد و مظاهر تجدد را در خود آشكار مى‌كند. بنابراين، اين دوره دوره‌اى است كه طبقه اجتماعى متوسطى كه قصد دارند به جرگه متجددان بپيوندند، ظاهر مى‌شوند. اين طبقه اجتماعى تحت تاثير تجدد رضاشاهى وارد رمان‌ها مى‌شود. زيرا در جامعه آن روز ايران نيز اين افراد بسيار ديده مى‌شدند و نويسنده با شخصيت‌پردازى خود، خواستار نشان دادن اوضاع آن روز ايران است.

رياست و منافعش به رشوه‌گيرى و دزدى و انواع و اقسام فساد ادارى روى مى‌آورد. تا جايى كه وارد سياست مى‌شود و به هر دروغ و جنايتى دست مى‌زند. به رياست مى‌رسد و به اين ترتيب طبقه اجتماعى اش را تغيير مى‌دهد و صاحب مقام و ثروت مى‌شود. تحرك اجتماعى از نوع عمودى دارد.

او كه اكنون دل و جرأت پيدا كرده، براى حفظ منافع خودش اقدام به هر كارى مى‌كند ولو بر ضد ديگران باشد. در ابتدا عشق زنى او را وادار مى‌كند كه براى رسيدن به مقام تلاش كند. هنگامى كه به مقام و منصب رسيد، لذت پول و احترام و قدرت او را حريص مى‌كند و در چاه دروغ، رشوه‌گيرى، بى‌عدالتى، حق‌كشى و خودخواهى فرو مى‌رود. در اين رمان شاهد جايگزينى طبقه كارمندان به جاي طبقه اشراف و رشد طبقه شهرنشين هستيم.

رمان‌هاى دوره دوم: سال‌هاى ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۰ ش

۱. اوضاع سياسى - اجتماعى
در اين دوره، كودتاى ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شكست تلخى بود كه همه مردم ايران طعم آن را چشيدند. بسيارى از نويسندگان و شاعران از جمله آل-احمد، شاملو و اخوان ثالث دچار سرخوردگى شدند و اين سرخوردگى را به نوعى در آثارشان نيز منعكس كردند. در دهه ۴۰، مسئله اصلاحات ارضى نيز مطرح مى‌شود كه آل‌احمد بازتاب آن را در رمان نهرين زمين به خوبى نشان داده است.
رمان شوهر آهو خانم (۱۳۴۰) رمانى است كه اوضاع سياسى و اجتماعى كشور را در

نفرین زمین مسائلی چون از بین رفتن فئودالیسم و نظام ارباب رعیتی، اصلاحات ارضی، مهاجرت از روستاها به شهرها و رشد طبقه شهرنشین و بورژوازی را نشان می‌دهد. مسئله اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ با هدف پدید آوردن یک طبقه کشاورزان مستقل مطرح شده بود که طی آن زمین‌داران باید همه اموال کشاورزی را به دولت بفروشند، سپس زمین‌های خریداری شده توسط دولت باید به نسق‌دارانی که بر روی همان زمین‌ها کار می‌کردند، فروخته شود. این برنامه‌های توسعه که اصلاحات ارضی یکی از آنها بود، سبب شده بود تا مدارس جدید، تسهیلات بهداشتی و تأسیسات صنعتی در شهرها به وجود بیاید. در نتیجه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شاهد گسترش سریع جمعیت شهرنشین و طبقه کارگر هستیم. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۸۶، ۳۹۴) جلال آل احمد به خوبی این مسائل را در رمان خود نشان داده است.

«در قرون ۱۷ و ۱۸ انقلاب بورژوازی، فئودالیسم را به پشت سنگرهای تدافعی راند و پوسیدگی ارزش‌های آن را برملا کرد. بورژوازی استعمار را ایجاد کرد و خواست که جهان را به بازار مصرف سرمایه‌داری بدل کند. قصه قرن ۱۹، عصیان علیه بورژوازی است که دنیا را به سوی کاپیتالیسم می‌کشاند. آل احمد در نفرین زمین بورژوازی را در حال گسترش و غلبه بر فئودالیسم و تراژدی این شکست را در قرن بیستم به نمایش گذاشته است.» (انزابی‌نژاد و رنجبر، ۱۳۸۵: ۵۴)

۲. طبقه و پایگاه اجتماعی در شوهر آهوخانم طبقه ثروتمندان: در این رمان به این طبقه اجتماعی خیلی پرداخته نشده است.

طبقه محروم: هما قبل از ازدواج با سید میران جزء این طبقه اجتماعی محسوب می‌شد، حاجی بنا (شوهر سابق هما)، همایون و کتایون (بچه‌های هما)، کارگران سیدمیران، مستأجرین خانه سید میران در این طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند.

طبقه متوسط: مهم‌ترین طبقه اجتماعی پرداخته‌شده در رمان است. سیدمیران سرابی (رئیس صنف نانویان)، آهوخانوم (همسر سید میران)، کلارا، بهرام، بیژن، مهدی (چهار فرزند سیدمیران و آهو خانوم)، هما (بعد از ازدواج با سیدمیران وارد این طبقه اجتماعی می‌شود).

۲-۱. ویژگی ظاهری طبقات

- مردان طبقه اجتماعی ثروتمند کلاه‌های مخملی بر سر می‌گذارند. اما افراد فقیر لباس‌های رنگ و رو رفته و وصله خورده می‌پوشند. آستین‌های کتشان به خاطر توزدگی چندین باره سر دست‌ها کوتاه هستند. (افغانی، ۱۳۸۸: ۲۹)

- ثروتمندان خدمتکار و غلام دارند (همان: ۷۹). فقرا اکثراً در خانه‌های آلونک مانند و اجاره‌ای زندگی می‌کنند که از پس اجاره‌اش نیز بر نمی‌آیند. (همان: ۱۵۵، ۴۸۰)

- طبقه متوسط لباس‌های ساده و معمولی می‌پوشند نه مانند اشراف از لباس‌های گران‌قیمت استفاده می‌کنند و نه مانند تهیدستان لباس‌های

- افراد طبقه متوسط با زيردستان و كارگران خود با احترام برخورد مى‌كنند و رفتار صميمانه دارند (همان: ۷۳، ۱۳۰). با آنكه مانند ثروتمندان زندگى نمى‌كنند و از امكانات آنها برخوردار نيستند، ولي به آنها حسادت نمى‌كنند و زندگى كردن با فقرا را بيشتر مى‌پسندند (همان: ۸۰). رنج و اندوه ديگران آنها را آزار مى‌دهد؛ چون خودشان طعم رنج و اندوه را چشیده‌اند (همان: ۷۹). به كسانى كه قادر به گذران زندگى شان نيستند كمك مى‌كنند (همان: ۸۸). خلاف ثروتمندان حريص نيستند. پول و مال برايشان اهميتى ندارد (همان: ۱۵۰). اعتقاد به خرافات در ميان اين طبقه نيز وجود دارد. (همان: ۴۷۸)

- روستاييان از امكانات اوليه و محل تفريح بى‌بهره‌اند. رعايا فقط بايد در باغات اربابان و مالكان كار كنند (همان: ۲۱۵). رعيث همواره تحت سلطه و زور و ظلم ارباب هستند. (همان: ۴۳۹)

۲-۳. چگونگى تحرك اجتماعى شخصيت‌هاى

رمان شوهر آهو خانم

در اين رمان، طبقه اجتماعى شخصيت‌هاى اصلى يعنى سيدميران و آهو خانم تغيير مى‌كند. البته خواننده، روند و چگونگى اين تغيير را مستقيماً مشاهده نمى‌كند و طى گزارشى كه نويسنده از زندگى گذشته شخصيت‌هاى رمان ارائه مى‌دهد، از اين تغيير پاىگاه و طبقه اجتماعى آگاهى مى‌يابد (همان: ۶۸). زيرا از همان ابتدائى رمان ما شخصيت‌هاى اصلى را در طبقه اجتماعى متوسط مى‌بينيم. عوامل اين تغيير طبقه عبارت‌اند از:

ژولیده و پاره مى‌پوشند. (همان: ۱۹) در خانه- هایشان از امكانات لازم برخوردارند. (همان: ۲۰۳، ۲۰۴)

- روستاييان با وجود آنكه دولت، اقدام به متحدالشكل كردن لباس‌ها كرده است، همچنان لباس‌هاى خاص خود را مى‌پوشند. (همان: ۳۲۸)

۲-۲. خصلت‌هاى عمومى طبقات

عقايد طبقات بالاي اجتماعى با طبقات ديگر خيلى متفاوت است. اين افراد به دليل تعلق به طبقات بالاي اجتماعى و مراوده با اشراف، عقايد و خلق و خوى خاص خود را دارند. از اين‌رو، سيدميران از هما مى‌خواهد تا در رفت و آمد با سوسن (دوستى كه هما در خياطخانه پيدا كرده بود) مراقب باشد (همان: ۵۰۲). ثروتمندان چون براى تأمين معاش خود نيازى به تحمل كردن رنج و سختى ندارند بيشتر وقت خود را در استراحت و خوش‌گذراني مى‌گذرانند. (همان: ۵۹)

- طبقه محروم حق ديگران را نمى‌خورند و در پى انجام كار هستند، حتى خدمتكارى (همان: ۵۴، ۶۴). از دروغ و بدگويى كردن دورى مى‌كنند (همان: ۸۸). سواد چندانى ندارند، زيرا فرصتى را كه بايد براى رفتن به مدرسه بگذارند، براى كار كردن صرف مى‌كنند. پسر نقره خانم (مستأجر سيدميران) آبنبات مى‌فروشد. با وجود دست به گريبان بودن با فقر و ندادارى با صميميت و مهربانى در کنار يكديگر زندگى مى‌كنند و در مواقع سختى به يكديگر كمك مى‌كنند. براى گذران زندگى بايد سختى بكشند و اين رنج در ظاهرشان نيز آشكار است. (همان: ۵۱۱)

الف) کار و تلاش و سخت‌کوشی

سید میران و آهو خانم از طریق تلاش و پشتکار و سخت‌کوشی، پایگاه اجتماعی‌شان را تغییر می‌دهند. موقعیت سید میران از ناوایی دوره‌گرد به رئیس صنف خبازان و موقعیت آهو از زنی نانوا به مادری خانه‌دار و همسر رئیس صنف خبازان تغییر می‌کند و از طبقه اجتماعی محروم به طبقه اجتماعی متوسط وارد می‌شوند. از امکاناتی در زندگی برخوردار می‌شوند که خیلی‌ها (افراد طبقه محروم و کارگر) حسرت زندگی‌شان را می‌خورند. این تغییر طبقه اجتماعی از نوع عمودی صعودی است. (همان: ۶۸)

ب) ازدواج

شخصیت دیگری که در این رمان پایگاه اجتماعی‌اش تغییر می‌کند، هما است. زن جوانی که در ابتدا در روستا زندگی می‌کرده و خانواده‌اش روستایی هستند. بعد از ازدواج با حاجی بنا، به شهر می‌آید و پایگاه اجتماعی‌اش از دختری روستایی به زنی رفاقتی تغییر می‌کند. اما تحرک اجتماعی هما از نوع افقی بوده است؛ زیرا از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگری در همان طبقه فرودست وارد شده است. اما بعد از اینکه با سیدمیران ازدواج می‌کند، طبقه اجتماعی‌اش تغییر می‌کند. از طبقه اجتماعی محروم به طبقه اجتماعی متوسط وارد می‌شود و این تحرک اجتماعی، عمودی است. بنابراین، در این رمان دو تحرک اجتماعی اتفاق افتاده است.

تغییر پایگاه اجتماعی، مستلزم تغییر ظاهر شخصیت و نحوه لباس پوشیدن اوست. به این

معنی که شخصیت وقتی وارد طبقه اجتماعی خاصی می‌شود، باید همانند همه آنها باشد که در آن طبقه اجتماعی حضور دارند لباس بپوشد، مانند سید میران که پس از تغییر پایگاه مثل شهردار و رؤسا و ... لباس می‌پوشد و ریش می‌تراشد و همین‌طور هما که با تغییر لباس و کشف حجاب وارد پایگاه جدیدی می‌شود.

پرداختن به زندگی طبقات مختلف در کنار یکدیگر از ویژگی‌های رمان شوهر آهوخانم است. افغانی زندگی طبقه نسبتاً مرفه را با زندگی طبقات فرودست در کنار هم مطرح می‌سازد. خانواده سیدمیران زندگی نسبتاً خوبی دارند در حالی که در خانه آنها مستأجرانی زندگی می‌کنند که به لحاظ مالی در سطح پایین‌تری قرار دارند. در این رمان با دو طبقه اجتماعی روبه‌رو می‌شویم: ۱. طبقه اجتماعی متوسط (خانواده سیدمیران)؛ ۲. طبقه اجتماعی محروم و فقیر (همسایه‌ها و مستأجرین خانه سیدمیران). زندگی این خانواده‌ها در کنار یکدیگر به خوبی اختلاف طبقاتی آنها را نشان می‌دهد.

۳. طبقه و پایگاه اجتماعی در رمان نقرین زمین

نقرین زمین داستان آموزگاری است که از شهر برای تدریس به روستا آمده است. وجود قلعه اربابی در روستا نشان از حضور روابط ارباب و رعیتی دارد. ورود تکنولوژی مانند موتور برق و آسیاب موتوری و تراکتور به روستا، اعتراض روستاییان را در پی دارد. زیرا تکنولوژی در روستا یعنی بیکار ماندن روستاییان و مهاجرت به شهرها. در نهایت، روستاییان آثار تجدد

- در مقابل اربابان كه در مهمانى هايشان انواع غذاهاى لذیذ بر سر سفره دارند، رعيت غرق در گرسنگى است (تضاد طبقاتى بين مرفه و فقير) بچه هاى روستا با سختى و كار بزرگ مى- شوند، پس دست هايشان پينه بسته و پاهایشان برهنه است. (همان: ۸، ۹)

- شهرنشینان لباس های اتوكشیده مى پوشند، ریش هايشان را مى تراشند و كراوات مى زنند. وقتى معلم از شهر به روستا مى آید، كم كم نسبت به انجام دادن اين امور بى تفاوت مى شود؛ زیرا در روستا كسى به اين چیزها اهميت نمى دهد. (همان: ۴۱، ۴۲)

۲-۳. خصلت های عمومی طبقات

- بچه های خانواده های اعیان به مدرسه مى روند حتى اگر در روستایشان مدرسه نباشد (همان: ۲۷). ارباب همه چیز را با پول مى سنجد (همان: ۱۴۲). ارباب با وجود اینکه بر رعيت خود حاكم است، ولى گاهى به آنها كمك مى كند (همان: ۹۷). اربابان برای اینکه قدرت خود را از دست ندهند، دوست ندارند روستاییان به شهرها مهاجرت كنند (همان: ۷۹). فقط كسانى كه ثروت دارند باید از امكانات (موتور برق) بهره مند شوند و اين نبود عدالت اجتماعى است. در جامعه اى كه ثروت ارزش محسوب مى شود، فقير جايى ندارد. (همان: ۲۰)

- افراد طبقه متوسط با ديگران همدردى مى كنند و برای بهبود وضعيت افرادى كه از امكانات اوليه محروم اند تلاش مى كنند. ساختن

(مرغداری) را ويران مى كنند. در پايان داستان، مرگ مالك و مباشر در آستانه اصلاحات ارضى، مرگ بزرگ مالكى و پيوندهاى ارباب و رعيتى، پا گرفتن مرغداری سرمايه دار و بيهوده بودن شيوه سنتى توليد را نشان مى دهد. آموزگار (قهрман شكست خورده) نیز روستا را ترك مى- كند. بنا بر اين، اساس داستان كشمكش و برخورد بين شيوه جديد با شيوه سنتى توليد كشاورزى است (ورود تراكتور به روستا و استفاده از آن به جاي گاو آهن).

طبقه ثروتمندان: در اين رمان طبقه ثروتمندان را بيشتر اربابان روستا تشكيل مى دهند. بى بى (ارباب و مالك ده)، پسر بى بى (نماینده مجلس در شهر و وكيل)، پسر كوچك تر بى بى (محصل در فرهنگ)، مباشر ارباب، كدخدا به اين طبقه اجتماعى تعلق دارند.

طبقه محروم: روستاییانى كه فقير و تهيدست هستند.

طبقه متوسط و كارمندان: معلم، مدير، برادران مدير، ميرزا عمو (همكار پير معلم در روستا) جزء اين طبقه اجتماعى هستند.

۱-۳. ویژگی های ظاهری طبقات

- ثروتمندان روستا در واقع همان اربابان و كدخدایان هستند. خانه هايشان قلعه اربابى است و لباس هاى شبيه به شهرى ها بر تن مى كنند (آل احمد، ۱۳۸۵: ۲۴، ۷۴). آنها مهمانى مى دهند و از رعاىای خود پذيرايى مى كنند (همان: ۱۰۳، ۲۹۸).

یعنی از بین رفتن شیوه سنتی تولید و تبدیل آن به شیوه صنعتی، ایستادگی کنند. تراکتورها را ویران می‌کنند (همان: ۲۷)، اما وقتی می‌بینند قدرت ایستادگی در برابر این تکنولوژی و مدرنیزم را ندارند، سعی می‌کنند با آن کنار بیایند. گاوها را بکشند و با پولش تراکتور بخرند و در کار مزرعه-شان سرعت عمل داشته باشند (همان: ۳۲). اما رفته‌رفته با کار کردن تراکتور بر روی زمین، اهالی روستا بیکار می‌شوند. روستا دیگر برای جوانانش کاری ندارد. اهالی روستا که اکنون با بیکاری روبه‌رو هستند، برای کار کردن در مراکز صنعتی و پرداختن به شغل کارگری و تأمین مخارج زندگی خود به شهرها مهاجرت می‌کنند. اینگونه است که تحرک اجتماعی افقی از پایگاه اجتماعی روستائین رعیت و دهقان به پایگاه اجتماعی شهرنشین کارگر صورت می‌گیرد. رعایای دیروزی که جزء اموال مالکان محسوب می‌شدند، در کارخانه‌ها، کارگران کمپانی‌ها می‌شوند. از ده کوچ می‌کنند و در شهرها روز به روز بر جمعیت‌شان افزوده می‌شود و روستائیان که تاکنون تولیدکننده بودند، به مصرف‌کننده تبدیل می‌شوند. «پدیده اصلاحات ارضی و تضاد و ناسازگاری آن با شیوه تولید سنتی کشاورزی در روستاهای ایران از یک سو اگرچه دهقانان را از زیر یوغ اربابان آزاد کرد، اما در همان حال سبب نابودی کشاورزی در روستاها و مهاجرت تعداد زیادی از روستائیان به شهرها شد. کسانی که در روستا کار می‌کردند به حاشیه‌نشین‌های شهری تبدیل می‌شوند. اصلاحات ارضی و توسعه شهرنشینی لازم و ملزوم یکدیگرند». (رنجبر، ۱۳۹۱: ۵)

مدرسه و مرده‌شورخانه در روستا. (همان: ۱۴۲، ۲۹۵)

- روستائیان رعیت ارباب محسوب می‌شود و بر زمین‌های او کار می‌کنند و در صورت اعتراض به ارباب با توهین او مواجه می‌شوند (همان: ۹۷، ۱۰۰). بچه‌های روستا بعد از مدرسه باید با پدرانشان بر سر زمین کار کنند (همان: ۳۵). روستائیان اعتقادات مذهبی مانند شفا گرفتن از امامزاده دارند. (همان: ۹۸)

۳-۳. چگونگی تحرک اجتماعی شخصیت‌های

رمان نثرین زمین

مهاجرت از روستا به شهر

اهالی روستا به دلیل شرایط اجتماعی به وجودآمده به مهاجرت به شهرها تن می‌دهند و از این طریق پایگاه اجتماعی‌شان از روستائین دهقان و کشاورز به شهرنشین کارگر تغییر می‌کند. این تحرک اجتماعی از نوع افقی است و آنان همچنان در طبقه اجتماعی فرودست و محروم قرار دارند. شرایط اجتماعی و سیاسی که سبب تحرک اجتماعی می‌شود عبارت‌اند از: اصلاحات ارضی، ورود تکنولوژی و ابزار آلات صنعتی برای تولید به جای ابزار قدیمی، واردات گندم، مسائل مربوط به فروش نفت، رشد زندگی صنعتی و مکانیسم و سرمایه‌داری و بورس، وام‌های تعاون روستایی، تغییر دوره ملک‌داری و تبدیل آن به دوره بانکداری، از بین رفتن نظام ارباب و رعیتی، گذر از فئودالیسم به بورژوازی. با وجود ماشین، دیگر نیازی به نیروی کار انسانی نیست. روستائیان در ابتدا سعی می‌کنند در برابر شرایط به وجودآمده،

بحث و نتیجه‌گیری

در رمان‌ها بیشتر به طبقات محروم و اقشار فرودست اجتماعى پرداخته مى‌شود. اين نکته حائز اهميت است كه توافقى كلّى در مظلوم بودن، تحت ستم قرار گرفتن و پايمال شدن حقوق محرومان وجود دارد. ثروتمندان اغلب از راه‌هاى نادرست و با سوءاستفاده از قدرت، ثروت و روابط (پارتى بازى) و استفاده ابزارى از ديگران و چه بسا خانواده و نزديكان خود، بر قدرت و ثروتشان مى‌افزايند.

در دوره اول (فاصله سال‌هاى ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ شمسى) طبقه اجتماعى اشراف ثروت از دست داده به دليل تغيير شرايط اجتماعى و ايجاد ديوان‌سالارى دولتى، خواهان پيوستن به ادارات هستند. در اين دوره شهرنشيني رشد مى‌يابد. برخى روستاييان با استعداد هم وارد شهر شده، در مشاغل دولتى مشغول مى‌شوند، اما به واسطه نظام فاسد ادارات، زدوبندها و بى‌قانونى‌ها، رشد افراد براساس استعداد و لياقتشان انجام نمى‌شود. در جامعه‌اى فاسد، هر فردى به عنوان وسيله پيشرفت تلقى مى‌شود. تحرك اجتماعى اغلب با استفاده‌هاى نادرست از ثروت، قدرت و افراد (به خصوص وسيله قرار دادن زنان) انجام مى‌شود. انتقاد از اين نظام ناسالم و بازتاب اين وضعيت در رمان، از مهم‌ترين اهداف نويسندگان رمان‌هاى اجتماعى است. در اين دوره، تحرك اجتماعى از طبقات فرودست به فرادست و برعكس وجود دارد و طبقه‌اى به نام طبقه متوسط در حال شكل‌گيرى است. تحرك اجتماعى بیشتر از نوع تحرك عمودى است.

در دوره دوم (از سال‌هاى ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ شمسى) تحرك اجتماعى بیشتر در ميان طبقات متوسط و محروم مطرح مى‌شود. اين تحرك، خلاف دوره قبل، اغلب از نوع افقى است. يعنى جابه‌جايى در مشاغل فرودست. مثلاً تبديل يك روستايى و كشاورز بى‌زمين به حاشيه‌نشين شهرى را شاهد هستيم. در اين دوره، تحرك اجتماعى عمودى هم رخ مى‌دهد، اما اين تحرك ديگر كمتر نشانى از فساد دامن‌گير دوره اول دارد. كار و تلاش ارج نهاده مى‌شود، ولى اوضاع اجتماعى به گونه‌اى است كه تحرك عمودى در ميان طبقات محروم، بسيار كم‌رنگ است.

شكل‌گيرى طبقه متوسط و ميانى در جامعه شهرنشين از اين دوره قابل رديابى است. به موازات آن، مسئله تجدد و ظواهر آن، مثل استفاده كفش و كلاه و لباس فرنگى، استفاده از ماشين، تراكتور و وسايل جديد، بدون زيرساخت مناسب و فرهنگ مصرف آن، تبعاتى ايجاد كرده است كه علاوه بر ايجاد فاصله و شكاف طبقاتى، روند توسعه در ايران را نيز ناهمگون كرده است. اين مسئله از دو جنبه بر تحرك اجتماعى تأثيرگذار است:

- نخست آنكه تحرك اجتماعى به جاي آنكه از درون اتفاق بيفتد، در سطح و ظاهر با تغيير آرايش يا استفاده از لوازم و كالاهاى مصرفى، زمينه توليد و علاقه به كار و كوشش و تلاش واقعى را در مواردى بسيار كم‌رنگ ساخت و به شكل مكانيسمى جايگزين عمل كرد. يعنى پرداختن به ظاهر و رويه تجدد اين تصور را براى فرد به وجود آورد كه مى‌توان با اعمالى چون

- کشف حجاب و پوشش و ظاهر متفاوت (چنان که در شوهر آهوخانم شاهدش هستیم)، طبقه اجتماعی را تغییر داد.
- مسئله دوم که از دل دیدگاه اول بیرون آمد، از میان رفتن فرهنگ تولید و کسب و کار، هجوم روستاییان به شهرها برای کسب درآمد و شهری شدن بود که به تضاد طبقاتی و توسعه ناهمگون انجامید.
- رمان‌های این دو دهه، با ترسیم این وضعیت، از نابسامانی و عوارض برخاسته از چنین وضعیتی سخن می‌گویند.
- منابع**
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۵). *نفرین زمین*. چاپ اول. تهران: معیار اندیشه.
- افغانی، علی محمد (۱۳۸۸). *شوهر آهوخانم*. چاپ سوم. تهران: دنیای دانش.
- انزابی‌نژاد، رضا؛ رنجبر، ابراهیم (۱۳۸۵). «سیمین دانشور از آتش خاموش تا سووشون و اثرپذیری از آل احمد». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۴۵-۵۶.
- حجازی، محمد (بی‌تا). *زیبا*. بی‌جا.
- رنجبر، ابراهیم (۱۳۹۱). «رسالت روشنفکر و نزاع سنت و تجدد در رمان نفرین زمین». *نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز*، سال ۶۵، شماره ۲۲۶، صص ۲۳-۱.
- زرافا، میشل (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی (رمان و واقعیت اجتماعی)*. نسرین پروینی. چاپ اول. تهران: سخن.
- فرسار، احمد (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی (اصول، مبانی و نظریه پردازان)*. چاپ اول. تهران: نشر اوحدی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. غلام عباس توسلی و رضا فاضل. چاپ اول. تهران: سمت.
- گرب، ادوارد. ج. (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی (دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر)*. محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی‌زاد. چاپ اول. تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- لوکاچ، جورج (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی رمان*. محمدجعفر پوینده. چاپ دوم. تهران: نشر ماهی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی عمومی*. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات طهوری.
- مشفق کاظمی، مرتضی (۱۳۴۸). *تهران مخوف*. بی‌جا.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۷). *صدسال داستان- نویسی ایران*. جلد اول و دوم. چاپ پنجم. تهران: نشر چشمه.

Social Mobility in the Persian Novel from 1921 to 1971 (Case Study: Four Sample Novels)

Maryam Ameley Rezaei* / Setareh Zare**

Receipt:

2016/March/21

Acceptance:

2017June/06

Abstract

The term social mobility refers to the displacement of people from a community center to the other social one. This mobility takes place in both vertical and horizontal ways. The main question of this study reflects how social classes move in the Persian novel during the periods "1921-1971". The research method is an analytical-descriptive one and this study was done using library resources and taking into account the successful novels during this period. The result of the research shows that, 1300 to 1325, the social classes of the nobility, the administrative staff and the urban ones have had the most reflection in the Persian novel. In this period, criticism of the social different classes and unhealthy social mobility was one of the most important issues in the novels. The middle class is developing and social mobility is more than vertical mobility. Between 1325 and 1350, the middle urban social class, especially the deprived rural class, workers and peasants reflected more than the other groups in the novels. In this period, social mobility is often among the middle and deprived classes and is a type of horizontal mobility; it means changing subordinate jobs such as rural changes and landless farmers toward the urban marginization. The technical use of modernization at the industrial level, such as the use of tools such as car and tractor, at a cultural level, such as the use of foreign shoes, hats and clothes, without a proper arrangement and the culture of consumption, will lead into consequences of the different social class formation and social mobility, which have been reflected and analyzed in the novels of this period.

Keywords: Persian Realist Novel, Social Center, Social Class, Social Mobility, 1921 to 1971.

* Assistant Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author).
Email: m_rezaei53@yahoo.com

** M. A. Student, Persian Language and Literature.